

# رویدادهای مهم تاریخی

## از سقوط امپراتوری عثمانی تا به امروز

گروه پژوهش‌های تاریخی  
زیر نظر: محسن میرزایی



**دنیاله‌خاطرات محمد حسینی هیکل:**  
در ماه‌های اولسین پیش از تروور، اطرافیان سادات درگیر تهیه قلیسمی از داستان زندگی وی بر اساس کتابی که در «جست‌وجوی خویش» نام داشت، بودند. سادات در آن شرایط سخت، ساعتی دراز با تهیه کننده و هنرپیشه‌های کلان‌دیده برای نقش‌های اصلی فیلم، می‌گذرانید. در حالی که چنین ساعتی برای نخست‌وزیران و وزیران ناظر بر خطر ناک‌ترین بخش‌های کشور، فراهم نمی‌شد.

هر مناسبتی که مورد توجه رئیس‌جمهوری قرار می‌گرفت بلافاصله باید به معرض دید مردم گذاشته می‌شد. وقتی فیهید، پیرنی و زینس و لوز - از دوستان موروثیجه جهان قرار گرفته - وارد قفسه ساه‌عسل را در تریک مسافر درمی‌آوردند، دریای مدیترانه به دریای سرخ بگذرانند، حاضر نبودن چنین فرصتی را از دست بدهد. سادات هر دو را به ناهار یا شام در قفسه‌ای از خاک مصر دعوت کرد. آنها مسزرت خواستند زیرا شما به صورت، نیاید قلیق سلطنتی بریتانیا، را ترک کند.

به هر حال متقابلاً و به انگیزه رودری باستی، بیزینت سادات، و همسرش را به صرف شام وی عرشه قلیق سلطنتی به هنگام عبور از کانال سوئز به طرف دریای سرخ دعوت کرد. تریک سادات بیزینت سادات، فرصت را از دست ندهد، زیرا ملوانان نگذاشتند دهها عکاس روزنامه‌ها و فیلمبرداران تیربونی سوار قلیق قلیق اما «بیزینت سادات، کنان فرصت از دست رفته ظاهر شدن در کنار عروس و داماد سلطنتی انگلستان را سرانجام چیران کرد. قرار شده بود، این دو هیولایا مستقیماً به انگلستان بازگردند. لذا، سادات، فرودگاه فرقه‌به به انتظار ایستادند، گرفت پرواز آنها از فرودگاه فرقه‌به، مناسبت رسمی باشد. لذا یک سون قلیق، با گارد ریاست جمهوری رابا کلاه‌خودهای پولادین (به شیوه آلمانیها) به فرودگاه آورد تا به عنوان گارد احترام با هم به صف بایستند و «پیرنی» قبل از سوار شدن بر هیولایا از آن سان ببیند. بیزینت سادات در این فرودگاه واقع در وسط صحرا ایستاده بود. همسرش «جهان» و فرزندان و نوه‌هایش در کنارش ایستاده بودند - حتی چند تن از مریان نوه‌هایش در کنار قفسی عکس دیده شدند.

به نظر می‌رسد هنگام می‌خواستند این عروسی و داماد سلطنتی را ببینند، ظاهراً این مناسبت - از لحاظ تلبیزونی - می‌توانست بخشی از جشن عروسی باشد، شاید توده‌وسی از بینگان را به خود جلب کند، و لذا مناسبتی بود و نباید از دست می‌رفت.

**خیره تمامی مناسبت‌ها و جشن‌های مناسبت‌ها** بیزینت سادات یک غریب که بنا به تجربه او متوجه بود، جشن می‌گرفت. در پایان هر سال آنچه خود را «آتش‌زدن کاغذها می‌خواند اجرا می‌کرد.

بدین گونه بیزینت سادات شخصاً و با سیر و شکیبایی شگفت‌انگیز - اوراق خصوصی خود را از هم جدا می‌کرد و آنچه را برای امین غیر ضروری تشخیص می‌داد، آتش می‌زد. زیرا هیچکس جز خودش نباید آنها را می‌دید. «آتش‌زدن کاغذها» در خانه «الجزیره» یا مینت اولوگور، انجام می‌گرفت. در هیچ مناسبتی جز این سادات این چنین صبور و شکیبا ظاهر نمی‌شد. از جمله کاغذهایی که اصراً در سوزن‌لن آنها گذاشته می‌شد، پرونده‌ها و پرونده‌ها بود که تحت اختیار وی بود و یکی از دو موشی در دست اعتقاد، به برداخت‌ها نظارت داشت. در پایان هر ماه حساب کل مبالغ پرداخت شده بنا به دستور «سادات» و تقدیم می‌کرد. اوراق متضمن دستور پرداخت، به رئیس‌جمهوری عودت داده می‌شد تا

شخصاً آنها را بسوزاند. همچنین سرنوشته برخی گزارش‌ها و نامه‌های محرمانه که نمی‌خواست به دست کسی بیفتد، سوزن و آتش بود. شامی سکاگامه‌های تلفنی وی ملاقاتها و دیدارهایی که خود دستور ضبط روی نوار و یا پیگیری آنها را داده بود - چه به صورت نوار و چه نوشته بروی کاغذ - نیز طعمه آتش می‌شد.

**شاید عجیب‌ترین نمونه منطقی که بر اساس آن مرز میان رئیس‌جمهوری و سادات زده می‌شد، «کشور» و «کشور» بود. «کشور» در هر دو صورت سادات با گنجینه‌های تاریخی مصر باستان بود که به دستور مستقیم وی، انجام می‌گرفت.**

بر آغاز، سادات، استراحتگاه رسمی سازمان آتار میان تاریخ مصر در نزدیکی اهرام جیزه را به تصرف خود درآورد. اما این استراحتگاه باید با سازمی می‌شد تا در ساختن سکا جدید آن باستان.

این ساموت به شرکت «مقاطعه کاران عرب» واگذار شد. مبلغ صورت‌حساب‌هایی به ۲۲۴ هزار لیره رسید و عیجی اینکه صورت‌حساب برای پرداخت به سازمان آتار باستانی ارجاع شد.

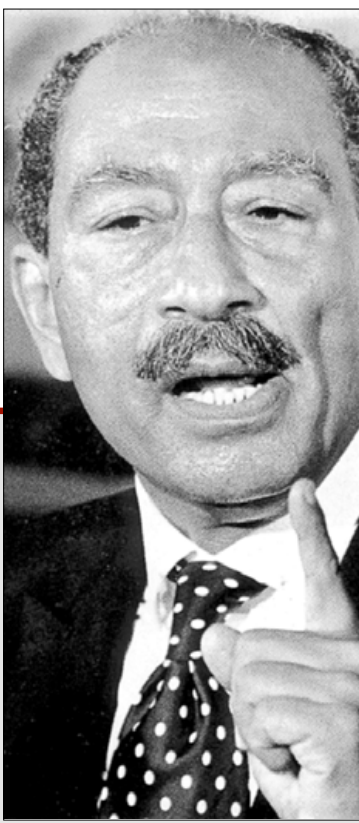
سازمان آتار باستانی با مشاهده این صورت‌حساب یک روز، بیزه اینکه بوجه اختصاصی این سازمان در آن سال ها برای بازسازی آتار باستانی از ۶۰ هزار لیره تجاوز نمی‌کرد.

شکستی میان سازمان آتار باستانی و شرکت «مقاطعه کاران عرب»، دو همکار و بیزینت سادات، ادامه داشت و این مشکل هنوز به فوت خود باقی است. عیجی اینکه مشکل مذکور با تخیل مانده ولی خود استراحتگاه در چارچوب برنامه بیزینت سادات استراحتگاه‌ها از منطقه اهرام که یکی از پدیده‌های تفسیر در مصر بود، از روی زمین منجمد است. با این همه در زمینه استراحتگاه‌ها، سادات منحصراً به این استراحتگاه‌ها محدود کرد. بیزینت سادات، عاشقانه دوست داشت در آن و با کنار آن طوری که اهرام نیز در همان کادر می‌گرفت، عکس بگیرد.

مسأله از این هم به مراتب بزرگ‌تر بود. بیزینت سادات، پروژه‌های بزرگ‌تر از خود را به صورت مستقیم در دست می‌گرفت. سادات در هر دو صورت سادات با گنجینه‌های تاریخی مصر باستان بود که به دستور مستقیم وی، انجام می‌گرفت.

بر آغاز، سادات، استراحتگاه رسمی سازمان آتار میان تاریخ مصر در نزدیکی اهرام جیزه را به تصرف خود درآورد. اما این استراحتگاه باید با سازمی می‌شد تا در ساختن سکا جدید آن باستان.

**اطرافیان سادات در ماه‌های اولسین پیش از تروور، درگیر تهیه قلیسمی از داستان زندگی وی بر اساس کتابی که در «جست‌وجوی خویش» نام داشت، بودند. سادات در آن شرایط سخت، ساعتی دراز با تهیه کننده و هنرپیشه‌های کلان‌دیده برای نقش‌های اصلی فیلم، می‌گذرانید.**



**در واقع بیزینت سادات اشارات دینی را بسیار مؤثر می‌دانست. اول لقب «رئیس جمهوری مؤمن» را برای خود انتخاب کرد و سپس اشارات دینی در اظهارات خود به کار برد. از جمله این گفته مشهورش که «دین هرگز رحم نمی‌کند» در حالی که هر مسلمانانی این گفته را در دست تنها از یقین دارد رحمت خداست**



معمر تجارمی کسب می‌کند و بدین وسیله خواهد توانست وارد دنیای اتم محرومانه که کارشامان وزارت خارجه مصر از شیوه زریا طرح موافقت‌نامه شگفت‌زده شدند، زریا هر گونه توافقی از این قبیل باید طبق اصول اعلام‌شده از سوی «آلانس بین‌المللی انرژی اتمی» تنظیم و امضا شود. از جمله موافقت‌نامه‌ای از این قبیل حتماً باید به صورت عهده‌نامه باشد، کافی نیست به صورت صرفاً یک توافق ساده اداری با آن برخورد شود.

مشکل، چهره کرد، زیر اضای عهده‌نامه باید در پارلمان مطرح می‌شد. دستور داده شد اقدامات مربوط به تهیه و تدوین این عهده‌نامه ادامه یابد و سپس در اختیار پارلمان قرار گیرد. بخت بار بود، و موضوع در منبع متنی شد زیرا پارلمان و مخالفت دردمی در تریس، بیرومنتر از طرح صراحت‌انظم تریس برای احداث راکتورهای اتمی بود.

در دیگر نمونه‌های معروف این سخن‌مندیها که طی آن «سادات» کشور را با شخص رئیس‌جمهوری قاطعی کرد، پیشنهاد وی برای تقدیم شیوه‌نامه‌ای در خاتمه نیل برای ابرسانی به اسرائیل بود. در سپتامبر سال ۱۹۷۹ و در جریان سفر به حیفا، بیزینت سادات به گروهی از سردیوران مطبوعات اسرائیلی گفتی که «بگین» مسأله انتقال آب‌های نیل از طریق «سینا» جهت آبیاری مزارع مستعمره‌های جدید در «التیبر» راوی در میان گذاشته است. در حالی که سردیوران مطبوعات اسرائیلی طوری به رئیس‌جمهوری مصر غلام می‌گفتند که «انگار آنچه را شنیده بودند باورشان نشده بود. بیزینت سادات ادامه داد: «چرا نه؟ امکانات بزرگی فراهم است، ایده‌های فراوانی هست، به علاوه شوهر قدس که ابهای نیل براسان این پیشنهاد من خواهد پذیرفت، اینها سه گانه است، شهری مقدس است و چه چیزی با شکوه‌تر از آن است که حاجیان قدس از بیرون ادیان سه گانه، از ابهای نیل، «زمزم» تازه‌ای داشته باشند؟»

بیزینت سادات منحصراً به این نکته تأکید کرد و گفت: خود این پیشنهاد را به عنوان بخشی از تلاش برای متقاعد کردن «بگین» به ادامه مذاکره بر سر کرانه غربی مطرح کرده است، حال اگر این امر عملیاتی از مفاصلدش بود، «بگین» خیلی زود در آن زمینه‌ها، بیرون می‌آید. هر چه در این زمینه، سادات به بازیدهای رسمی خارج از قاهره می‌رفت. در تمامی این بازیدها تنها کسی که در سویت وی اقامت می‌کرد، در کنار او پیاده روی کرد و تمام وعده‌های غذا، هسره و او را در همان دوستانش «عشان احمد عثمان» بود. در حالی که سایر سران و مقامات رسمی جمهوری، در چنین عالی‌رتبه و وزیرانی که در چنین مناسبت‌هایی حضور داشتند - به خارج محل اقامت و بدون هیچ‌گونه تماسی با رئیس‌جمهوری، تبعید می‌شدند، مگر به هنگام نظارت رئیس‌جمهوری در برابر دوربین‌ها و میکروفن‌ها.

بیزینت سادات، به بازیدهای رسمی خارج از قاهره می‌رفت. در تمامی این بازیدها تنها کسی که در سویت وی اقامت می‌کرد، در کنار او پیاده روی کرد و تمام وعده‌های غذا، هسره و او را در همان دوستانش «عشان احمد عثمان» بود. در حالی که سایر سران و مقامات رسمی جمهوری، در چنین عالی‌رتبه و وزیرانی که در چنین مناسبت‌هایی حضور داشتند - به خارج محل اقامت و بدون هیچ‌گونه تماسی با رئیس‌جمهوری، تبعید می‌شدند، مگر به هنگام نظارت رئیس‌جمهوری در برابر دوربین‌ها و میکروفن‌ها.

بیزینت سادات، به بازیدهای رسمی خارج از قاهره می‌رفت. در تمامی این بازیدها تنها کسی که در سویت وی اقامت می‌کرد، در کنار او پیاده روی کرد و تمام وعده‌های غذا، هسره و او را در همان دوستانش «عشان احمد عثمان» بود. در حالی که سایر سران و مقامات رسمی جمهوری، در چنین عالی‌رتبه و وزیرانی که در چنین مناسبت‌هایی حضور داشتند - به خارج محل اقامت و بدون هیچ‌گونه تماسی با رئیس‌جمهوری، تبعید می‌شدند، مگر به هنگام نظارت رئیس‌جمهوری در برابر دوربین‌ها و میکروفن‌ها.

امیدهایش را با قسوت قلب بر آورده‌چاه. بلافاصله طی نامه‌ای رسمی به سادات نوشت: «آقای رئیس‌جمهوری، این جمله مقامات عالی‌رتبه و وزیرانی که در چنین مناسبت‌هایی حضور داشتند - به خارج محل اقامت و بدون هیچ‌گونه تماسی با رئیس‌جمهوری، تبعید می‌شدند، مگر به هنگام نظارت رئیس‌جمهوری در برابر دوربین‌ها و میکروفن‌ها. بیزینت سادات، به بازیدهای رسمی خارج از قاهره می‌رفت. در تمامی این بازیدها تنها کسی که در سویت وی اقامت می‌کرد، در کنار او پیاده روی کرد و تمام وعده‌های غذا، هسره و او را در همان دوستانش «عشان احمد عثمان» بود. در حالی که سایر سران و مقامات رسمی جمهوری، در چنین عالی‌رتبه و وزیرانی که در چنین مناسبت‌هایی حضور داشتند - به خارج محل اقامت و بدون هیچ‌گونه تماسی با رئیس‌جمهوری، تبعید می‌شدند، مگر به هنگام نظارت رئیس‌جمهوری در برابر دوربین‌ها و میکروفن‌ها.

# من هرگز رحم نمی‌کنم!

دیگری به بیزینت بزرگ، تقدیم کرد. یک کادوی قدیمی به تیتو، مجسمه استانه ۱۵۰۰ اوزونیس، به ارتفاع ۲۸ سانتیمتر بود. این مجسمه طی حفاری‌های منطقه بتنی سویت، کشف شده بود. اما کادوی بیزینت بزرگ، مجسمه شسته‌باله‌ایس بود که در سال ۲۲ سانتیمتر ارتفاع داشت. این دو مجسمه به هر حال - طبق نامه‌های رسمی دفتر رئیس‌هیأت استانی آتار باستانی از موزه خارج شده بود. کادو در خانه هائیس سرانینی تازه ای باقر که در پروده‌ها چنین به ثبت رسیده است، دکتر محمد حسینی هیکل که نوسنده استراحتگاه است در اینجا سامی ۳۷ اتر

بیزینت سادات منحصراً به این نکته تأکید کرد و گفت: خود این پیشنهاد را به عنوان بخشی از تلاش برای متقاعد کردن «بگین» به ادامه مذاکره بر سر کرانه غربی مطرح کرده است، حال اگر این امر عملیاتی از مفاصلدش بود، «بگین» خیلی زود در آن زمینه‌ها، بیرون می‌آید. هر چه در این زمینه، سادات به بازیدهای رسمی خارج از قاهره می‌رفت. در تمامی این بازیدها تنها کسی که در سویت وی اقامت می‌کرد، در کنار او پیاده روی کرد و تمام وعده‌های غذا، هسره و او را در همان دوستانش «عشان احمد عثمان» بود. در حالی که سایر سران و مقامات رسمی جمهوری، در چنین عالی‌رتبه و وزیرانی که در چنین مناسبت‌هایی حضور داشتند - به خارج محل اقامت و بدون هیچ‌گونه تماسی با رئیس‌جمهوری، تبعید می‌شدند، مگر به هنگام نظارت رئیس‌جمهوری در برابر دوربین‌ها و میکروفن‌ها.

ادامه دارد